

بایدها و نبایدها در رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی همایش «بایدها و نبایدها
در رشته زبان و ادبیات فارسی»
در گفت‌وگو با دکتر عباسعلی وفایی،
دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

در اسفندماه ۱۳۸۶ همایشی تحت عنوان «بایدها و نبایدها در رشته زبان و ادبیات فارسی» در دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. در این همایش ۳۰ مقاله تحقیقی و چند سخنرانی ارائه شد و در این مقالات و سخنرانی‌ها به بررسی مسائل و مشکلاتی که رشته زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزش عالی کشورمان با آن دست به‌گریبان است پرداخته شد. در این گفتار، با جناب آقای دکتر عباسعلی وفایی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و دبیر شورای گسترش زبان فارسی که دبیری این همایش را به عهده داشت به بررسی ابعاد مختلف این همایش پرداخته‌ایم.

تغییراتی که برخی دانشگاه‌ها خود اعمال نمودند، تغییر نیافته است، لذا خستگی دانشجویان از مطالعه مباحث تکراری از یک سو و ضرورت تحول در این رشته به دلیل نیازمندی‌های جامعه از سوی دیگر منجر شد دانشجویان تصمیم بگیرند همایشی در این زمینه برگزار نمایند. دانشگاه علامه طباطبایی نیز دانشگاهی است که تعداد دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه، از دیگر دانشگاه‌ها بیشتر است و در مقاطع تحصیلی مختلف اعم از کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری نیز هم از لحاظ کمیّت دانشجویان و هم از لحاظ کیفیت علمی آنها، این دانشگاه از جایگاه مطلوبی برخوردار است، ضمن اینکه بسیاری از دانشجویان این رشته در دانشگاه علامه، بیشتر با زبان و ادب فارسی آشنا هستند و آگاهی‌های خوبی در این عرصه دارند و دانشجویان

جناب آقای دکتر وفایی، جناب عالی دبیر همایش «بایدها و نبایدها در رشته زبان و ادبیات فارسی» بودید. از حضرت‌عالی خواهش می‌کنم درباره این همایش و هدف از برگزاری آن توضیحاتی ارائه بفرمایید.

دکتر وفایی: دو سال پیش دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی با راهنمایی برخی از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی درصدد برگزاری همایش مذکور بودند و در نهایت خداوند توفیق داد و این همایش در پانزدهم اسفندماه ۱۳۸۶ برگزار گردید. همان‌گونه که مستحضر هستید از بیست و پنج سال گذشته که شورای عالی انقلاب فرهنگی واحدهای درسی را تفکیک نمود، در رشته زبان و ادبیات فارسی تغییری صورت نگرفته است و سرفصل‌های دروس جز

ما در بسیاری حوزه‌ها آثار مربوط به سال‌های گذشته را مطالعه می‌کنیم؛ حال آن‌که در حوزه علوم انسانی خاصه ادبیات فارسی لازم است جدیدترین نظریه‌هایی که در حوزه‌های مختلف مطرح است، مورد بحث و بررسی قرار گیرد

دکتر عباسعلی وفايي



مثلاً متون نثر نظیر تاریخ بیهقی یا کلیله و دمنه خوانده می‌شد اما چون مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گرفت، کارکردی نداشت. لازمه استفاده کاربردی از متون مذکور آن است که دانشجویان به صورت تحلیلی آنها را مطالعه نمایند. دانشجویان بسیاری از دروس را در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان می‌خوانند و وقتی وارد دانشگاه می‌شوند مجدداً آنها را مطالعه می‌کنند؛ حال آنکه لازم است دروسی را مطالعه نمایند که دربرگیرنده موضوعات جدید است. نکته دیگر این است که رشته زبان و ادبیات فارسی در حوزه‌های زبان، فلسفه، تاریخ، منطق، الهیات، بلاغت، دستور زبان فارسی و غیره دربرگیرنده کلیاتی است که لازم است دانشجویان به طور دقیق با این کلیات آشنا شوند، در غیر این صورت دانشجو نمی‌تواند از این حوزه‌ها و موضوعات بهره‌بردار شود؛ لذا لازم است گرایش‌هایی ایجاد شود که بر اساس موضوعات جدید و نیازهای جامعه دانشجویان آگاهی تربیت نماید. در همایشی که برگزار شد تقریباً همه بر این باور بودند که در نوع نگاه به این رشته و همچنین واحدهای درسی و سرفصل‌های دروس باید تغییراتی صورت گیرد تا بهره‌حضور دانشجویان در دانشگاه، ذهنی ادبی، خلاق و کاربردی باشد.

همان‌گونه که در فراخوان همایش اعلام شده بود، کلیت مباحثی که در این همایش مطرح شد از دو موضوع عمده خارج نیست. یکی آشنایی با برنامه‌ریزی آموزشی رشته زبان و ادبیات فارسی است که نیازمند طرح مسأله و تأکید بر ضرورت بازنگری به سرفصل‌های درسی است و دیگری ارائه راهکارهایی برای رهایی از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب است، لذا از شما می‌خواهم بخشی از راهکارهایی را که در این زمینه ارائه شد، بیان نمایید.

دکتر وفايي: در مورد موضوع نخست باید بگویم استادان و دانشجویانی که در این زمینه سخنرانی کردند، در آغاز تحلیلی از وضعیت موجود ارائه نمودند و مشکلاتی را که در زمینه سرفصل‌های درسی و شیوه‌های تدریس وجود دارد بیان نمودند. واقعیت این است که دانشجویان از شیوه‌های سنتی غلط که در متن به معنی کردن واژگان و در شعر به معنی کردن ابیات می‌انجامد ناخرسند هستند و در همایش این مسأله را مطرح کردند. سخنرانی برخی از استادان هم مبتنی بر ارائه شیوه‌های جدید تدریس با استفاده از نرم‌افزارها و وسایل ارتباطی جدید بود.

موضوع دوم هم مربوط به واحدهای درسی بود که سخنرانان در

شایسته‌ای هستند. این دانشجویان در جاهای مختلف زبان اعتراض می‌گشودند و از اینکه تغییری در سرفصل‌های درسی ایجاد نمی‌شود اظهار نارضایتی می‌کردند، بنابراین ما تصمیم گرفتیم همایشی در این زمینه برگزار نماییم و فراخوان مقاله دادیم و مقاله‌های مختلفی به دست ما رسید و در همایش ضمن ارائه شماری از مقالات رسیده، تنی چند از استادان زبان و ادبیات فارسی هم به دعوت برگزارکنندگان سخنرانی کردند: دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر فتوحی و دکتر حسن‌لی از جمله سخنرانان این همایش بودند. مهم‌ترین ویژگی همایش این بود که غیر از استادان، دانشجویان نیز سخنرانی کردند. از آنجا که کار، کاری دانشجویی بود لازم بود دانشجویان نیز سخنرانی کنند و نظرات خود را بیان نمایند. انصافاً نیز دانشجویان سخنرانی‌های خوبی ارائه نمودند که به زودی متن این سخنرانی‌ها در کنار مقالات ارائه شده چاپ خواهد شد.

رشته زبان و ادبیات فارسی که دربرگیرنده هویت ماست، ادبیات جدید و قدیم را دربر می‌گیرد و همچنین فرهنگ، تمدن، تاریخ و اعتقادات مردم ایران در آن جایگزین شده است، متناسب با نیازها و رویکردهای علمی دقیقی که در جهان وجود دارد باید مورد بررسی قرار گیرد. امروزه مسائل و موضوعات جدیدی در دانشگاه‌های سراسر دنیا در حوزه‌های ادبی و زبانی مطرح است که پرداختن به آنها لازم و ضروری است. دانشجویان از اینکه واحدهای درسی خوانده می‌شد اما تحلیل درست و شایسته‌ای از آنها صورت نمی‌گرفت، گله‌مند بودند.

مورد میزان ضرورت ارائه این واحدها سخنرانی نمودند. برای نمونه تدریس متون کلاسیک در قالب این تعداد واحدهای درسی که هم‌اکنون داریم چقدر ضرورت دارد؟ آیا ما نمی‌توانیم رودکی، کسایی، منوچهری، فرّخی، ناصر خسرو را تبدیل به یک واحد درسی کنیم؟ واقعیت این است که ادغام این واحدهای درسی، فضا را برای واحدهای دیگر درسی باز می‌کند. مثلاً آیا تدریس بیست واحد عربی در حالی که دانشجویان ما در مدرسه نیز این درس را می‌آموزند و چه بسا تدریس این درس در مدرسه به مراتب بهتر از دانشگاه صورت می‌گیرد، ضروری است؟ سؤال دیگری که در این راستا مطرح می‌شود این است که ما چقدر به مسائلی که در حوزه زبان مطرح است می‌پردازیم؟ و دانشجو چه مقدار با دستور زبان آشنا می‌شود؟ و آیا لازم نیست تدریس دستور زبان فارسی با شگردهای جدید و نیز مطالب جدید که امروزه در حوزه زبان‌شناسی در حوزه صرف و نحو و آواشناسی و معنی‌شناسی مطرح است، صورت گیرد؟ و آیا لازم نیست مکاتب متعددی که در این حوزه وجود دارد، شناخته و مطرح شود؟ مگر می‌شود کسی بدون تسلط به زبان فارسی، تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه را بخواند؟ اگر چه مطالبی که در این متون مطرح می‌شود، از رهگذر اجتماعی و وقوف به گذشته و نیز مسائل فرهنگی بسیار مهم و قابل توجه است، بررسی این مسائل وظیفه دانشجوی زبان و ادبیات فارسی نیست. وظیفه دانشجوی این رشته آگاهی به مباحث زبانی و هنر بیانی است. دانشجوی زبان و ادبیات فارسی باید از مسائلی نظیر ساخت‌واژه‌ها، ارکان جمله، اختصار، ایجاز، اطناب، واژه‌سازی و غیره آگاه گردد؛ بنابراین رسالت ماست که با پرداختن به زبان و ادبیات فارسی، این مسائل را تبیین کنیم. اگر استادان نسبت به این مسائل و نیز معلومات جدید آگاهی کامل نداشته باشند، از مطالب و موضوعات جدید به راحتی صرف‌نظر می‌کنند. مثلاً امروزه معنی کردن بیت بدون توجه به مسائل زیبایی‌شناسی که امروزه در دنیا بسیار مورد توجه است؛ نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت و جذابیتی ایجاد نمی‌کند، ضمن اینکه در رشته زبان و ادبیات فارسی تحولی در شعر به وجود آمده است که از آن به عنوان ادبیات معاصر یاد می‌شود و این موضوعی است که لازم است به صورت گسترده مطرح شود و واحدهای درسی بیشتری را به خود اختصاص دهد؛ حال آنکه این‌گونه نیست و همین مسأله موجب نارضایتی دانشجویان است. دانشجویان ما امروزه به دلیل قرابت زمانی با این دوره و نیز مطالب و موضوعات جدیدی که در حوزه ادبیات معاصر مطرح است، تمایل دارند بیشتر به این حوزه پرداخته شود و برای آنها قانع‌کننده

نیست
ادبیات
که دو
واحد نثر

معاصر و دو
واحد نظم معاصر

را به صورت تاریخ

ادبیات و بدون تجزیه و

تحلیل بخوانند و سپس آن را

کنار بگذارند. مثلاً در حوزه ادبیات

معاصر، رمان‌های بسیاری وجود دارد که به

صورت فیلم درآمده‌اند اما در دانشگاه به آنها

پرداخته نمی‌شود و حوزه ادبیات داستانی مورد توجه

قرار نمی‌گیرد، حتی مطالبی هم که در دانشگاه به دانشجو آموزش داده

می‌شود به دلیل اینکه کاربردی نیست به سرعت به فراموشی سپرده

می‌شود. این برآزنده دانشگاه نیست که دانشجو وقتی فارغ‌التحصیل

می‌شود برای اینکه بتواند در جایی مشغول به کار شود، ویراستاری را

در مؤسسه‌ای خارج از دانشگاه فراگیرد، حال آن‌که دانشگاه به عنوان

نهادی مرجع موظف است این قبیل مهارت‌ها را به دانشجو بیاموزد.

اینها ضعف‌هایی است که رشته زبان و ادبیات فارسی با آن مواجه

است و دانشجویان بیش از همه متوجه آن هستند. اگر چه شماری

از استادان ما به دلیل علاقه‌ای که به شیوه‌های سنتی دارند، خواهان

ایجاد اینگونه تغییرات نیستند، اما باید بپذیرند که ما نیازمند ایجاد این

دگرگونی‌ها هستیم. ما برای احیای این رشته ناچاریم خود را روزآمد

کنیم و امیدواریم با تغییراتی که در سرفصل‌های درسی و نیز شیوه‌های

تدریس صورت می‌گیرد، این اتفاق بیفتد. اگر این تحولات که لازمه

پویایی و رشد این رشته است صورت گیرد، بسیاری از مشکلات موجود

در این حوزه رفع می‌گردد. خوشبختانه در برخی دانشگاه‌ها و نیز در

دانشگاه ما این اتفاق افتاده است و دوستان ما در گروه زبان و ادبیات

فارسی با جدیت تمام این مسأله را دنبال می‌کنند. موضوع مهمی که ما

به همراه دوستانمان در گروه و نیز با مساعدت مسئول محترم دانشگاه



رشته زبان و ادبیات فارسی که در برگزیده هویت ماست، ادبیات جدید و قدیم را دربر می‌گیرد و همچنین فرهنگ، تمدن، تاریخ و اعتقادات مردم ایران در آن جایگزین شده است، متناسب با نیازها و رویکردهای علمی دقیقی که در جهان وجود دارد باید مورد بررسی قرار گیرد

حذف برخی واحدهای درسی و نیز جایگزین کردن واحدهای درسی دیگر که ضرورت وجود آنها در جامعه کاملاً محسوس است از دیگر مسائلی بود که در آنجا مطرح گردید. هم‌اکنون در حوزه ادبیات معاصر ما لازم می‌دانیم مباحث جدیدی نظیر مسأله دفاع مقدس را مطرح نماییم. متأسفانه امروزه شاعران با دانشگاه‌ها ارتباطی ندارند، استادان نیز در جمع شعرا حضور ندارند، حال آن‌که استادان دانشگاه و نیز شاعران و ادیبان برجسته باید با هم در ارتباط باشند. مثلاً داستان‌نویسی که در حوزه داستان‌نویسی مقام و مرتبه‌ای دارد، اگرچه تحصیلات دانشگاهی ندارد، لازم است تجربه خود را برای علاقه‌مندان این عرصه و نیز دانشجویان بیان نماید. اگر در حوزه ادبیات معاصر در مورد شعر سخن می‌گوییم لازم است شاعری که در این عرصه صاحب‌سبک است مسائل مربوط به این حوزه را به دانشجویان بیان نماید. خلاصه این‌که همه این مسائل در کنار هم می‌تواند موجب پویایی این رشته و بهره‌مندی دانشجویان گردد.

بسیار سپاسگزارم از این‌که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید و برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم.

مقالات همایش بایدها و نبایدها در رشته ادبیات فارسی

- ۱- آسیب‌شناسی رشته زبان و ادبیات فارسی بر بنیاد نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی؛ یادگیری و راهبردهای مقابله با آن
محمدابراهیم پورنمین
- ۲- بررسی سرفصل‌های درسی رشته زبان و ادبیات فارسی در کرسی‌های خارج از کشور، از دیدگاه استادان اعزامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از سال ۱۳۸۴ تا کنون
زهرا استاذزاده و فرج‌اله طالبی اتویی
- ۳- ضرورت ایجاد رشته /گرایش ادبیات تطبیقی، امکانات و چالش‌ها
دکتر علیرضا انوشیروانی
- ۴- پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، معضل پژوهش‌های موازی در رشته زبان و ادبیات فارسی
دکتر نصرالله امامی و دکتر منوچهر تشکری
- ۵- بررسی شیوه‌نامه آزمون ادبیات در سیستم OCR
دکتر زهرا پارساپور
- ۶- موانع نواندیشی در رشته زبان و ادبیات فارسی، با معرفی اجمالی

پیگیر آن هستیم، عملی کردن این طرح در دانشگاه‌هایی است که هیأت‌میزه دارند و همچنان‌که مستحضر هستید دانشگاه شیراز این کار را انجام داده است. ما هم مصمم هستیم که در سال آینده با تشکیل گروه‌های خاص، گرایش‌های جدیدی در این رشته ایجاد نماییم.

شما در خلال مطالبی که بیان کردید، به شماری از راهکارهایی که در همایش از جانب استادان مطرح شده است، اشاره نمودید. اگر ممکن است به راهکارهای دیگری که احیاناً در این زمینه مطرح شده است، اشاره نمایید.

دکتر وفایی: همان‌گونه که عرض کردم این راهکارها یکی مربوط به بحث کیفیت و درحقیقت تغییر کمیّت و دیگری ایجاد گرایش بود، ضمن اینکه بهره‌مندی از تجارب و اندیشه‌های علمی دیگر حوزه‌ها نیز از جمله راهکارهایی بود که در این زمینه ارائه شد. مثلاً در سبک‌شناسی، نقد ادبی و تحلیل داستان کارهای برجسته‌ای انجام شده است که لازم است دانشجویان با آنها آشنا شوند. متأسفانه ما در بسیاری از حوزه‌ها آثار مربوط به سال‌های گذشته را مطالعه می‌کنیم؛ حال آن‌که در حوزه علوم انسانی خاصه ادبیات فارسی لازم است جدیدترین نظریه‌هایی که در حوزه‌های مختلف مطرح است، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مثلاً در حوزه تحلیل داستان کارهای بسیار خوبی انجام شده است که دانشجویان باید با آنها آشنا شوند. و یا در زمینه زبان فارسی، مکتب‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام از دیدگاهی خاص به بررسی‌های زبانی می‌پردازند که این مکتب‌ها در حوزه زبان فارسی نیز لازم است مطرح شود و دانشجویان این رشته باید با این مکتب‌ها آشنا شوند. واقعیت این است که رشته زبان و ادبیات فارسی از ادبیات دنیا منفک نیست و مباحث نظری مباحثی است که سایر ادبیات‌ها نیز با آن مواجهند و تحقیقات خوبی در این زمینه‌ها انجام داده‌اند. اخیراً کتاب‌هایی در حوزه زبان و ادبیات فارسی نوشته شده است که نیم‌نگاهی نیز به آثار ترجمه‌ای و کتاب‌هایی که در خارج از کشور تدوین شده است، دارد و این کتاب‌ها با استقبال بسیار خوبی مواجه شده است. در همایش مقاله‌های خوبی در این زمینه ارائه شد که مهم‌ترین آنها مقاله جناب آقای دکتر فتوحی بود با عنوان «تأملی بر شیوه‌های سبک‌شناسی» و این مقاله کاملاً مشخص می‌کرد که چه سخن‌های نویی در این عرصه می‌شود بیان نمود. این مقاله بسیار مورد استقبال قرار گرفت و تشویق دانشجویان را در پی داشت. لذا بهره‌مندی از اندیشه دیگران در تحلیل آثار و نیز نحوه تدریس مهم‌ترین مباحثی بود که در همایش مطرح شد.

- برنامه‌های جدید دانشگاه شیراز
 کاووس حسن‌لی
 ۷- طنزپژوهی گرایشی میان رشته‌ای
 دکتر جواد دهقانیان، محمدحسین کرمی
 ۸- مطالعات فرهنگی و ادب فارسی
 دکتر احمد رضی و عبدالله راز
 ۹- علوم انسانی، وضعیت فعلی و چشم انداز فردا
 امین رحیمی
 ۱۰- بازنگری در محتوای کتاب‌های فارسی عمومی دانشگاه‌ها و
 ضرورت تغییر تعداد واحدها و شیوه‌های تدریس آن
 دکتر مهدی رضایی
 ۱۱- زبان و ادبیات فارسی، شیرینی بی‌دم و بی‌بال
 سلمان ساکت
 ۱۲- نقش و جایگاه ادبیات معاصر ایران و جهان در برنامه‌ریزی
 درسی رشته زبان و ادبیات فارسی
 دکتر عباسعلی سرگزی
 ۱۳- بازنگری در محتوای درس مرجع‌شناسی و روش تحقیق
 دکتر احمد رضی
 ۱۴- آسیب‌شناسی رشته زبان و ادبیات فارسی با نگرشی بر
 دستاوردهای تربیتی
 دکتر حمیدرضا سلیمانیان
 ۱۵- کاربرد روش‌های فراگیری همیارانه در رشته زبان و ادبیات
 فارسی
 زینب صابریپور
 مهم‌ترین ضرورت‌ها در آموزش و پژوهش پیشرفته زبان و ادب
 فارسی
 دکتر محمود صادق‌زاده
 ۱۷- راهکارهایی در بازنگری و تغییر یا اصلاح دروس مقطع
 کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی
 دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی و دکتر منوچهر تشکری
 ۱۸- بررسی متغیرهای مرتبط با انگیزش تحصیلی دانشجویان رشته
 زبان و ادبیات فارسی
 دکتر بیژن ظهیری ناو و سوران رجبی
 ۱۹- آموزش دستور زبان فارسی، نگرش‌ها و روش‌ها در آیین نقد
 تألیفی
 پروانه طاهری موسوی
 ۲۰- مطالعه ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی و تأثیر آن در آموزش
 زبان فارسی
 ملیحه عشقوی
 ۲۱- ادبیات و جایگاه آن در مراکز آموزشی، نگرشی منتقدانه به
 ادبیات و جایگاه آن در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها با رویکرد برنامه‌ریزی و
 اشارهای کوتاه به جایگاه گذشته آن در غرب
 دکتر حمیدرضا قانونی و دکتر علی محمد کاسب
 ۲۲- ضرورت ایجاد گرایش آفرینش‌های ادبی در رشته زبان و
 ادبیات فارسی
 دکتر ابوالقاسم قوام
 ۲۳- گسترش زبان فارسی در پاکستان در پیوند با مردم
 دکتر سید محمد قمر مهدی
 ۲۴- انطباق واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فارسی با نیازهای
 جامعه و آینده شغلی دانش‌آموختگان این رشته
 اعظم محبی و فاطمه کرامتی
 ۲۵- ضرورت بازنگری درس‌های رشته زبان و ادبیات فارسی و
 حرکت به سوی تخصص و گرایش
 دکتر جواد مرتضایی
 ۲۶- تأملی در سرفصل‌های رشته زبان فارسی و ایران‌شناسی در
 دانشگاه‌های جهان
 دکتر غلامرضا مستعلی پارسا و علیرضا پورمحمد
 ۲۷- کاربردی کردن زبان و ادبیات فارسی با دو رویکرد فرهنگی
 و اجتماعی
 علیرضا مؤذنی
 ۲۸- جایگاه ادبیات در دوره‌های آموزش زبان فارسی به غیر
 فارسی‌زبانان
 محمد باقر میرزایی حصاربان
 ۲۹- بررسی رویکردهای زبانی در پژوهش‌های رشته زبان و ادبیات
 فارسی
 محمد امین ناصح
 ۳۰- زبان فارسی و آموزش قواعد عربی
 محمد رضا نجاریان